

آرْمَنی موسیقی ایران

یا

موسیقی ربع پرده

ساخته و نگارش علینقی وزیر

پیشگفتار: دکتر ساسان سپینا

مقدمه و تصحیح: محمود سیدهندی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران ۱۳۹۵

با یاد استاد علینقی وزیری
پیشاهنگ تجدد و نوجویی در موسیقی ایران

نام مجازیش علینقی است نام حقیقیش ابوالموسقی ست
ایرج میرزا



فهرست مطالب

پیشگفتار

۹	
۱۳	 مقدمه: شناخت نامه‌ی علینقی وزیر
۱۳	 زندگی نامه
۱۶	 آثار وزیری
۲۲	 وزیری از نگاه دیگران
۲۴	 وزیری و آرمنی [هارمونی] موسیقی ربع پرده‌ای
۲۸	 اثر حاضر: آرمنی موسیقی ایران یا موسیقی ربع پرده
۳۰	 واژه‌های جدید در آثار وزیری
۳۴	 سپاس و قدردانی
۳۵	 تصویر نسخ مورد استفاده در تصحیح

متن کتاب

۴۵	
۴۷	 تجسس و مطالعه در آرمنی موسیقی ایران
۴۹	 آرمنی ربع پرده و موسیقی ایران
۵۰	 موسیقی اروپایی
۵۰	 موسیقی مشرق
۵۰	 ربع پرده
۵۱	 علامت ربع پرده
۵۱	 گام بیست و چهار بخشی برشو
۵۱	 گام بیست و چهار بخشی فروشو
۵۲	 راجع به علامات گام فوق
۵۵	 فواصل آرمنی‌ور
۵۵	 طنین جسم صدا دار
۵۶	 طنین جسم صدا دار یا صدا های فرعی
۵۹	 تنبیت یا مایه
۶۰	 گام بزرگ
۶۱	 گام نسبی کوچک
۶۱	 گام خُرد و بزرگ
۶۲	 گام خُرد کامل
۶۲	 طرز استخراج گام کُرماتیک

۶۳	تشکیل گام‌های دیا‌تُنیک با شرکت رُبْعِ ثُنْ
۶۹	استخراج گام چهارگاه
۶۹	گام چهارگاه نظری وَر
۷۰	چهارگاه رایج
۷۰	چهارگاه فرنگی
۷۰	گام‌هایی که دو دانگ مساوی دارند
۷۱	ثُه گام با دو دانگ متساوی
۷۲	آرْمُنِ موسیقی ایران
۷۵	گام شور
۷۶	شمار آکوردها
۷۷	گام شور از «دو» و آرْمُنِ آن
۸۱	آرْمُنِ ابوعطا
۸۱	نغمه‌ی ترک
۸۲	آرْمُنِ افشار
۸۴	گام راست
۸۵	آرْمُنِ درجات سه‌گاه
۸۸	آواز ترک
۹۱	آرْمُنِ دشتی
۹۲	نوت متغیر
۹۴	آرْمُنِ همایون
۹۶	آرْمُنِ درجات گام همایون
۹۷	آرْمُنِ آواز چهارگاه
۹۸	آرْمُنِ درجات چهارگاه
۱۰۰	مُلْدِی چهارگاه به سبک قدیم و آرْمُنِ آن
۱۰۰	آواز نوا
۱۰۱	آرْمُنِ نوا
۱۰۲	اصفهان
۱۰۳	آرْمُنِ اصفهان
۱۰۴	آواز ماهور
۱۰۵	آرْمُنِ ماهور
۱۰۶	آرْمُنِ گوشه‌های رُبْعِ ثُنْ دارِ ماهور
۱۰۷	راست پنج‌گاه
۱۰۸	آرْمُنِ از فواصل جور
۱۱۰	آرْمُنِ از فواصل مختلف جور
۱۱۲	ترقیمه: امضای علینقی وزیری

پیشگفتار

علم هارمونی شیوهی ترکیب و پیوند آکوردها، و کیفیت ارتباط و تناسب صحیح آنها با یکدیگر است. در موسیقی اروپایی، هارمونی از تاریخی طولانی برخوردار است و پُلی فونی در این موسیقی از قرن نهم میلادی معمول شد و نخستین آثار صوتی آن در سرودهای مذهبی ظاهر گشت و مکمل آن هارمونی، به تدریج و به نسبت میزان رشد هنری و فکری، پیشرفت حاصل کرد. در ایران سابقه‌ی تدریس و کاربرد هارمونی از یک قرن و اندی بیش تجاوز نمی‌کند و از زمان مسیو لومر فرانسوی در ایران مورد استفاده قرار گرفت.

پس از تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون و ایجاد شعبه‌ی موزیک نظام در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۸۶۸ میلادی، مسیو لومر برای تدریس موسیقی به ایران اعزام شد و تدریس رشته‌های مختلف موسیقی را به صورت تئوری و عملی به عهده گرفت و شاگردانی تربیت کرد و ارکستر موزیک نظام را تشکیل داد. اولین کتاب تئوری موسیقی که او به زبان فرانسه تألیف کرد، با ترجمه‌ی مزین الدوله (نقاش‌باشی) در سال ۱۸۸۳ میلادی با چاپ سنگی در تهران منتشر شد. مباحث این کتاب و هماهنگی جزو برنامه‌ی مدرسه‌ی موزیک نظام بود که خود لومر تدریس می‌کرد. لومر تعدادی از تصنیف‌های ایرانی را نیز برای پیانونت کرد و آکوردهای مناسبی برای آنها به کار برد که این روش بعد از او توسط غلامرضا سالار مُعزّز ادامه یافت. خود سالار مُعزّز نیز کتابی در مورد هارمونی تألیف کرد که به چاپ نرسید. روح‌الله خالقی در سال ۱۳۲۰ شمسی کتابی به نام هماهنگی از زبان فرانسه ترجمه کرد که با مساعدت وزارت فرهنگ به چاپ رسید. خالقی به من یادآور شد که چاپ چنین کتابی با هزینه‌ی

هنگفت و نداشتن خریدار، با هزینه‌ی شخصی، برایش میسر نبود. او در همان کتاب می‌نویسد: «همانگ کردن موسیقی ایرانی با فواصل ربع‌پرده‌ی آن پس از اطلاع کامل از محتوای این کتاب راه دیگری دارد و امیدوارم چاپ کتابی که استاد ارجمندم آقای علینقی وزیری در این زمینه نوشته‌اند و مشغول چاپ آن می‌باشند انجام شود و مورد استفاده قرار گیرد.» قبل از خالقی، علینقی وزیری در جلد سوم کتاب نظری به موسیقی (چاپ سنگی، ۱۳۱۳ شمسی) اشاره‌هایی به آکوردشناسی که مقدمات علم همانگی است کرده بود. او در همان کتاب به عدم رغبت شرقیان به هارمونی و اشتیاق آنها به ملّدی و وزن اشاره کرده است. وزیری، بعد از تشکیل ارکستر مدرسه‌ی عالی موسیقی، آهنگ‌هایی را به نحو مطلوب هارمونیزه کرد و اولین نمونه‌ی آهنگ دوصدایی را به نام «دوست» در مایه‌ی دشتی در سال ۱۳۰۷ شمسی با شعر حسین گل‌گلاب اجرا و ضبط کرد. او همچنین آهنگ‌های «خریدار تو»، «گوشه‌نشین»، «نیم‌شب» و چند آهنگ دیگر را با هارمونی نسبتاً خفیفی توأم ساخت. این شیوه بعدها توسط روح‌الله خالقی و جواد معروفی ادامه یافت. نگارنده از سال ۱۳۳۵ شمسی در دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دانشجوی بودم. آن ایام فرصت خوبی بود برای استفاده از کلاس و تدریس استادانی چون جلال همایی، محمد خوانساری، ابراهیم پورداود، پرویز خانلری، لطفعلی صورتگر و علینقی وزیری که قبلاً توسط روح‌الله خالقی به او معرفی شده بودم. من ردیف‌های موسیقی ایرانی را با ویلن نزد ابوالحسن صبا، و دستور ویلن وزیری را نزد محمود تاج‌بخش تعلیم گرفته بودم و با آثار و افکار وزیری آشنا بودم و در همان زمان دانشجوی وزیری در درس «زیبایی‌شناسی در هنر» بودم. وزیری در همین زمینه کتابی تألیف کرده بود که تدریس می‌کرد و من در هر جلسه از درس او توضیحات اضافی او را را با تنددستی به‌طور کامل یادداشت می‌نمودم.

وزیری با دقت خاص خود، دانشجویانش را زیر نظر داشت و، با توجه به علاقه‌مندی من، در جلساتی خارج از کلاس توضیحات تکمیلی را به ویژه در مورد موسیقی برایم بازگو می‌کرد و من یادداشت برمی‌داشتم. او می‌گفت: «موسیقی به وسیله‌ی ملّدی و همانگی و وزن بیان احساس می‌کند.» و از قول هگل نقل می‌کرد: «موسیقی به حدّ اعلا هنر احساس است. در هر زیبایی یک نوع همانگی وجود دارد. البته هنر، تقلید عین طبیعت نیست ولی ممکن است در ارتباط با طبیعت باشد، مانند سمفونی پاستورال بتهوون.» و توضیح می‌داد: «نوابغ هنرمند همواره از هنر زمان خود پیش هستند.» و این شعر حافظ را شاهد می‌آورد:

از خلاف آمدِ عادت بطلب کام که من کسبِ جمعیت از آن زلفِ پریشان کردم

البته وزیری معتقد بود که هر پدیده‌ی تازه‌ای اگر خلاف عادت عاقله‌ی مردم باشد

نخست مورد پذیرش آنها واقع نمی‌شود اما هنرمند واقعی نباید از تازگی روی گردان باشد. او در مورد فرم‌های آهنگ و لزوم کاربرد هارمونی هم طالب همین حالت بود و در مورد هارمونی می‌گفت: «این علم در کشور ما به کلی غریب و ناشناس بود و من در این راه گام‌هایی سریع و بزرگ برداشتم. ضمناً تذکر دهم که هارمونی من از روی اصول موسیقی خودمان است، نه اینکه تصور شود هارمونی اروپایی را بتوان با آهنگ‌های ایرانی تلفیق نمود؛ که در این صورت چیز هجوی از آب در می‌آید!»

وزیری بخش‌های آغازین کتاب آرمونی در موسیقی ایرانی خود را در شماره‌های هشت تا یازده سال سوم مجله‌ی موسیقی (آبان تا بهمن ۱۳۲۰ شمسی) با ترجمه‌ی اعتصام‌زاده به زبان فرانسه به چاپ رسانید ولی بنا به عللی چاپ دنباله‌ی آن میسر نشد. او می‌گفت: «من تا سی و دو سالگی که در ایران بودم آنچه از موسیقی ایرانی در ذهن استادان موسیقی، از قبیل آقا حسینقلی و میرزا عبدالله بود، مانند ردیف‌ها و قطعات ضربی و همچنین تصنیف‌ها و پیش‌درآمدها را به خط نت نوشتم که باقی بماند. پس از تحصیل موسیقی در اروپا و بازگشت به ایران با تمام مشکلات و موانع، مدرسه‌ی عالی موسیقی را تأسیس نمودم و با استواری در مداومت آن کوشش کردم که بدون هیچ‌گونه کمک دولتی با تمام مشکل‌تراشی‌ها و حسادت‌ها به کار خود ادامه داده و شاگردان خوبی در آنجا تعلیم دادم که بعدها هر کدام در رشته‌ی خود در موسیقی نام‌آور شدند و منشاء خدماتی گشتند.»

با وجود تغییراتی که در مدیریت هنرستان عالی موسیقی پیش آمد، چاپ چند کتاب وزیری، از جمله هماهنگی میسر نگشت و با توجه به نبودن خریدار کافی و تخصصی بودن کتاب بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری در چاپ آن نشد. روزی از وزیری سؤال کردم «آیا کتاب هماهنگی جناب عالی را دانشگاه تهران جزو انتشارات خود قرار خواهد داد؟» وزیری با لحنی جدی گفت: «چاپ کتاب هماهنگی در موسیقی و دانشگاه!» منظورش آن بود که کتاب مذکور در رشته‌ی موسیقی بود ولی او تدریس زیبایی‌شناسی می‌کرد نه موسیقی! به همین مناسبت موردی برای چاپ آن کتاب توسط دانشگاه به نظر نمی‌رسید. من شمه‌ای از ابتکارات او در هماهنگی موسیقی ایرانی را در بخش شرح حال و آثارش در کتاب چشم‌انداز موسیقی ایران (ماه‌ور، ۱۳۸۲) آورده‌ام.

اکنون سی و سه سال است که آن بزرگ‌مرد روی در نقاب خاک کشیده و عالم هنر از او یتیم مانده و از آنجا که وی را بر من حقّ استادی بود بسیار خوشوقت شدم که نسخه‌ی خطی آن کتاب او را جوانی جويا و علاقه‌مند، آقای محمود سیّد‌هندی، یافته و امکان چاپ آن فراهم شده و بدین‌وسیله آرزوی دیرین استاد وزیری پس از سال‌ها تحقق یافته است.

دکتر ساسان سپینا

زمستان ۱۳۹۱